

Penalization Types of Criminal Legal Persons in Iran and America Law

Hasan Shahravi¹
Mohamad Hasan Hasani²
Behnam Yousefian Shoredeli³

Received Date: 14 Oct 2021
Reception Date: 7 Dec 2021

Abstract

After long years of excessive conflicts among jurists, and existence of disperse matters in various rules about legal person's penal responsibility, approving cybercrimes law in 2010 and Islamic Penal law in 2014 was the end point of these conflicts and recognition of legal person's penal responsibility despite the existence of objections and ambiguities. In different countries such as America, these types of conflicts about legal person penal responsibility have existed, too. In 2014 Islamic Penal law, penalizations have been anticipated corresponding to legal person identity, and for its execution, which consist of main, complementary, subdominant and intensifying penalties, where each has its own types. In this paper, it is tried to investigate legal persons penalization types in 2014 Islamic Penal law and American law (federal law), and objections to them including non-inclusion and inadmissibility of articles 25 and 26 clauses of Islamic Punishment Law towards legal persons.

Keywords: Legal persons, Penal responsibility, penalty types, suppressive penalties

¹ . PhD Student in Criminal Law and Criminology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

Assistant Professor, Faculty of Humanities, Department of Law, Damghan University, Damghan, Iran (Corresponding Author) m.hasani@du.ac.ir

³ . Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

گونه‌های کیفردهی اشخاص حقوقی بزهکار در حقوق ایران و آمریکا

حسن شهروی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۲

محمدحسن حسینی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۶

بهنام یوسفیان شوره‌دلی^۳

چکیده

پس از سالیان سال اختلاف نظرهای فراوان بین حقوق دانان و وجود مواد پراکنده در قوانین مختلف در خصوص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، تصویب قانون جرایم رایانه ای سال ۱۳۸۸ و قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نقطه پایان این اختلافات و شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی علی‌رغم وجود ایرادات و ابهامات بود. در کشورهای مختلف من جمله آمریکا نیز این گونه اختلاف نظرها در خصوص مسئولیت کیفری شخص حقوقی وجود داشته است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ کیفرهایی متناسب با ماهیت شخص حقوقی و جهت اجرای آن پیش بینی شده است که شامل کیفرهای اصلی، تکمیلی و تبعی و مشدد است که هر یک نیز انواعی دارد. در این مقاله تلاش می‌گردد با روش تفسیری-کیفی گونه‌های کیفردهی اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و حقوق آمریکا (قانون فدرال) و

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

۲. استادیار، دانشکده علوم انسانی گروه حقوق دانشگاه دامغان، دامغان، ایران (نویسنده مسئول)

m.hasani@du.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

ایرادهای موجود در آن از جمله عدم شمولیت و غیر قابل اعمال بودن بندهای مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی نسبت به اشخاص حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری، گونه های کیفر، کیفرهای سرکوبگر

مقدمه و بیان مسئله

پس از شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مسئله کیفر و مجازات آنان مطرح می‌شود. مجازات مجرم خواه شخص حقوقی باشد یا حقوقی با اهداف مختلفی مانند ارباب، بازدارندگی، تشفی خاطر زیان دیده، جبران ضرر زیان دیده و ... انجام می‌شود و حتی می‌توان لزوم مجازات شخص حقوقی در جلوگیری از تخریب سایر مجرمین و پیشگیری از وقوع جرم حائز اهمیت دانست.

در این مقاله گونه‌های مختلف مجازات اشخاص حقوقی بررسی می‌شود که اجمالاً عبارتند از ۱. کیفر اصلی که تابع مجازات دیگر نبوده و اجرای آن منوط به حکم قطعی دادگاه است که خود شامل کیفرهای مالی مانند جریمه نقدی، جریمه سهام، الزام به جبران خسارت و کیفرهای غیرمالی شامل انتشار حکم محکومیت و سلب صلاحیت برای فعالیت می‌باشد. ۲. کیفرهای مشدد ممکن است به صورت افزایش میزان مجازات یا افزایش تعداد مجازات یا تبدیل به مجازات شدیدتر باشد. ۳. کیفرهای تکمیلی و تبعی که تفاوت آن‌ها در خور توجه است. هم چنین در مواردی که مجازات اشخاص حقوقی در حقوق آمریکا پرداخته می‌شود که بررسی و مقایسه آن با قوانین گذشته و حال حاضر ایران خالی از فایده نیست و حداقل آن که نگرشی وسیع تر و جامع تر به خوانندگان محترم خواهد بخشید.

کیفرهای اصلی

کیفرهای اصلی عبارتند از مجازات یا مجازات‌های هر جرم که اجرای آن منوط به حکم قطعی دادگاه بوده و تابع مجازات دیگر نیستند، ممکن است قانون‌گذار برای یک جرم، چندین مجازات اصلی تعیین کرده باشد، گاهی قاضی ملزم به محکومیت به تمامی آنها و گاهی مختار در انتخاب یک یا دو مورد از آنهاست. مثلاً مطابق ماده ۵۳۵ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی هر کسی اوراق مجعول مذکور در مواد ۵۳۲، ۵۳۳ و ۵۳۴ را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۶ ماه تا ۳ ساله یا به ۳ تا

۱۸ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. قاضی مختار در صدور حکم محکومیت به حبس یا جزای نقدی است.

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ جرایم به ۴ گروه جنایت، جنحه مهم، جنحه کوچک، خلاف تقسیم می‌شوند و مجازات جنایت اعدام، حبس موبدبا اعمال شاقه، حبس مؤبد بدون اعمال شاقه، حبس مجرد، تبعید و محرومیت از حقوق اجتماعی بود مجازات جنحه مهم، حبس تأدیبی بیش از یک ماه، اقامت اجباری در نقطه یا نقاط معین یا ممنوعیت از آن، محرومیت از بعضی از حقوق اجتماعی و غرامت در صورت مجازات اصلی بود. مجازات، خلاف حبس تکدیری از دو تا ده روز و غرامت تا ۲۰۰ ریال بود. در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ مجازات جنایت اعدام، حبس دائم، حبس جنایی درجه یک از ۳ تا ۱۵ سال حبس جنایی درجه ۲ از دو تا ده سال بود. مجازات اصلی جنحه حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا ۳ سال، جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا بود. مجازات خلاف جزای نقدی از ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال بود. در واقع در این قانون، یک جرم جنحه در نظر گرفته شد و تقسیم جنحه به مهم و کوچک و مجازات حبس با اعمال شاقه حذف و جزای نقدی جایگزین غرامت شد و در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ مجازات‌ها عبارت بودند از حدود، قصاص، دیات تعزیرات در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ در ماده ۱۲ حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به عنوان مجازات‌های اصلی شمرده شدند. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات‌های اصلی با توجه به شناسایی مسئولیت‌شخص حقوقی به مجازات اصلی شخص حقیقی و حقوقی تقسیم کرد. مجازات اصلی شخص حقوقی مطابق تبصره ماده ۱۴ و ماده ۲۰ عبارتند از: انحلال شخصی حقوقی، مصادره کل اموال، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت ۵ سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت ۵ سال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت ۵ سال، جزای نقدی، انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها.

کیفرهای اصلی شخصی حقوقی در قسمت کیفرهای مالی و کیفرهای غیرمالی بیان خواهد شد.

کیفرهای مالی

کیفرهای مالی شخصی حقوقی عبارتند از: جریمه نقدی، جریمه سهام به الزام به جبران خسارت، مصادره اموال

جریمه نقدی

جزای نقدی حکم محکومیت محکوم علیه به پرداخت وجه نقد به نفع دولت است. جریمه نقدی را با اجزای نقدی و محکومیت نقدی مجازات می‌توان مترادف دانست. قانونگذار ایران در مجازات دانستن جزای نقدی تردیدی ندارد. دیه و جزای نقدی اگرچه هر دو وجه نقد می‌باشند، اما تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند:

- ۱- دیه به نفع اولیاء دم و جزای نقدی به نفع دولت اخذ می‌شود.
 - ۲- دیه با نظر شاکی قابل عفو است.
 - ۳- مواد تعلیق و تخفیف و تبدیل مجازات‌ها در دیه قابل اعمال نیست.
 - ۴- زمان پرداخت دیه حسب عمد یا شبه عمد، عمد یا خطاء محض بودن معین است.
 - ۵- دیه از عاقله قابل وصول است.
 - ۶- دیه در صورت فوت جانی از اموال وی قابل وصول است.
 - ۷- دیه در صورت فرار جانی از بیت‌المال قابل دریافت است.
- همانند همه مجازات‌ها درخصوص جزای نقدی نیز مزایا و معایبی می‌توان برشمرد. مزایای این مجازات عبارتند از:

- ۱- برخلاف سایر مجازات‌ها که برای دولت هزینه در بردارد، این کیفر علاوه بر آنکه برای دولت هزینه ندارد، بلکه منع درآمد است^۱

۱. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، (تهران، میزان، ۱۳۹۳) ۹۲

۲- درخصوص بزهکارانی که جرایم مهمی انجام نداده‌اند، جزای نقدی اثر تنبیه‌گری بیشتری دارد.

۳- می‌توان میزان آن را با توجه به شدت و ضعف تقصیر و آثار آن معین کرد.

۴- تأثیرات منفی جسمی و روحی، سایر مجازات‌ها را که چه بسا جبران‌ناپذیر باشد، بر مجرم ندارد.

۵- بیشتر از همه مجازات‌های دیگر قابلیت انعطاف و انطباق دارند.

معایب این مجازات نیز عبارتند از:

۱- این مجازات برای ثروتمندان با توجه به توانایی مالی‌شان جنبه تنبیهی کمتر دارد.

۲- جزای نقدی از دارایی همه کسانی که این مجازات از منبع درآمدشان وصول می‌شود، تأمین می‌گردد، لذا مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌ها است^۱

۳- با عجز محکوم‌علیه از پرداخت و دادخواست اعسار، اعسار او پذیرفته و در حقیقت این به معنایی اعتباری این مجازات است.

الف) انواع و معیار تعیین جریمه نقدی متناسب

جزای نقدی در بند (ج) ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان یکی از انواع مجازات ذکر شده و ماده ۲۱ مقرر می‌دارد: میزان جزای نقدی قابل اعمال بر شخص حداقل ۲ و حداکثر تا ۴ برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکات همان جرم به وسیله شخصی حقیقی تعیین می‌شود. مجازات جزای نقدی براساس میزان آن در ماده ۱۹ در یکی از درجه‌های ۸ گانه قرار می‌گیرد. دادگاه در اعمال جزای نقدی شخص حقوقی به شدت جرم و نتایج آن توجه می‌کند. شایان ذکر است با صدور حکم به انحلال و مصادره کل اموال شخصی حقوقی، حکم به جزای نقدی با انتشار در رسانه‌ها دیگر اثری ندارد و سالبه به انتهاء موضوع است.

۲. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، (تهران، میزان، ۱۳۹۳) ۹۳

در حقوق آمریکا دادگاه‌ها در زمان صدور حکم مجازات جزای نقدی شخصی حقوقی در ۵ مرحله اقدام و رسیدگی می‌کنند^۱

الف) تعیین مبلغ پایه جریمه شخص حقوقی بابت ارتکاب جرم

در این مرحله پایه بر مبنای میزان مشخص شده طبق جدول تعیین جریمه براساس سن، شدت جرم و منافع مالی تحصیل شده شخص حقوقی ناشی از جرم و زیان مالی ناشی از ارتکاب جرم محاسبه می‌گردد.

ب) تعیین میزان تقصیر شخص حقوقی

میزان تقصیر شخص حقوقی در مقیاس بین ۱ تا ۱۰ اندازه‌گیری می‌شود، یعنی بدو دادگاه رسیدگی کننده امتیاز ۵ را در نظر گرفته و با اعمال مراحل تشدید و تخفیف این مقدار کم را کم و زیاد می‌کند.

پ) انتخاب ضرایب تعبیر حداقل و حداکثر جریمه نقد

ت) تعیین رهنمود میزان جریمه

پ) انتخاب جریمه نقدی

پس از طی ۴ مرحله قبل، حال دادگاه میزان جریمه را تعیین می‌کند و هرگونه سود غیرقانونی ناشی از جرم را به آن می‌افزاید.

جزای نقدی مجازات قابل اعمال بر شخص حقیقی و حقوقی می‌باشد، اما در قوانین ایران در اعمال این مجازات بر شخص حقیقی و حقوقی تفاوت‌هایی وجود دارد:

۱) اعطای مهلت به محکوم‌علیه مندرج در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی منحصر به شخص حقیقی نبوده و در مورد شخص حقوقی هم قابل اجرا است.

۲) در صورت عدم پرداخت جزای نقدی توسط هر دو شخص حقیقی و حقوقی امکان استیفا از اموال او وجود دارد.

۱. علیرضا نصیری، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق آمریکا» (پایان نامه کارشناسی ارشد،

تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵)

۳) بازداشت بدل از جزای نقدی درخصوص شخص حقوقی قابلیت اجرا ندارد.

* در حقوق ایران جزای نقدی یا ثابت است یا نسبی و قاضی بر همین مبنا در تعیین آن حدود و اختیاراتی دارد. جزای نقدی ثابت ممکن است به صورت مبلغی مقطوع باشد که حکم به محکومیت به آن (دقیقاً همان مبلغ) داده می‌شود، مانند جریمه در تخلفات رانندگی. ایراد این شیوه آن است که در صورت نوسانات ارزش پول، این مبلغ مجازات ثابت می‌ماند. تنها راه حل به‌روزرسانی مبالغ جزای نقدی با توجه به وضعیت

روز اقتصادی کشور است. نمونه دیگر جزای نقدی ثابت، مواردی است که قانون‌گذار حداقل و حداکثر برای جزای نقدی در نظر گرفته است. این نمونه در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی بسیار به چشم می‌خورد. نمونه سوم این نوع جزای نقدی تعیین حداکثر جزای نقدی بدون معین کردن حداقل آن است. این نمونه به دلیل مشکلات در اعمال قواعد تخفیف و تشدید محل ایراد است. تعیین جزای نقدی نسبی به این دلیل است که مجرم در تلاش برای کسب منفعت ناشی از جرم که بیش از عواید آن جرم است، محکوم شود و به نوعی بازدارندگی در انجام جرم به دلیل سنگین بودن مجازات نسبت به منفعت ناشی از جرم است، مانند جریمه از یک تا ۳ برابر ارزش کالای احتکار شده مقرر در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی مصوب سال ۱۳۶۷

جریمه سهام

مطابق بند (ت) ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت ۵ سال یکی از انواع مجازات‌های مقرر برای شخص حقوقی است. با این مجازات شخص حقوقی در کسب سود دچار مشکل می‌گردد، چون افزایش سرمایه یکی از راه‌های کسب سود است. این مجازات یا بدون مدت و دائمی است یا مدت دارد که حداکثر مدت آن ۵ سال می‌باشد. این مجازات تنها نسبت به شرکت سهامی عام قابل اعمال است، زیرا از بین تمامی اشخاص حقوقی، تنها شرکت سهامی عام مطابق قانون تجارت مجاز به افزایش سرمایه از طریق اعلامیه پذیره‌نویسی است.

مطابق ماده ۱۵۷ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ افزایش سرمایه شرکت سهامی عام از طریق صدور سهام جدید و یا بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود امکان- پذیر است و چنانکه ملاحظه می‌شود مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی شرکت سهامی، تنها از افزایش سرمایه با دعوت عمومی منع گردید که نیازمند دعوت عمومی است، لذا با توجه به سکوت قانون افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود منع قانونی ندارد و می‌توان گفت با این ایراد قانون‌گذار در واقع به حذف حدود واضح این مجازات نائل نخواهد شد.

مراحل افزایش سرمایه مطابق قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ عبارتند از پیشنهاد هیأت مدیره به اتخاذ تصمیم درباره افزایش سرمایه توسط مجمع عمومی، انتشار آگهی تصمیم به افزایش سرمایه در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌گردد، تسلیم طرح اعلامیه پذیرهنویسی عمومی به مرجع ثبت شرکت- ها، اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید از آن مرجع، انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های شرکت

در آن منتشر می‌گردد و در روزنامه کثیرالانتشار دیگر، امضا ورقه تعهد سهم و پرداخت مبلغ لازم و دریافت رسید توسط خریداران، رسیدگی هیأت مدیره به تعهدات پذیرهنویسان و تعیین و اعلام تعداد سهام هر یک از تعهدکنندگان و اطلاع به مراجع ثبت شرکت‌ها جهت ثبت آگهی. اگر حکم به مجازات ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه از زمانی صادر شود که مراحل فوق آغاز شده، اما هنوز اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید منتشر نشده، شرکت دیگر قادر نخواهد بود مراحل بعدی را انجام دهد، اما اگر حکم بعد از انتشار اعلامیه پذیرهنویسی سهام جدید در روزنامه صادر شود، به نظر می‌رسد چون موضوع مجازات، ممنوعیت از دعوت عمومی است و مرحله دعوت عمومی هم سپری شده، با تفسیر به نفع متهم فقدان مجازات را عطف به ماسبق کرده و دعوت عمومی برگزار شده را باطل نمود.^۱

۱. سید درید موسوی مجاب، علی رفیع زاده، «ضمانت اجراهای جرایم اشخاص حقوقی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۶۹، (۱۳۹۴)، ۱۹۹

الزام به جبران خسارت

جبران خسارت از مجازات‌های مقرر در مواد ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی چه در مورد شخص حقیقی یا حقوقی نیست، اما به طور کلی درخصوص جبران خسارت ناشی از جرم می‌توان به ماده ۱۴ و ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد که مقرر می‌دارد مطالعه جبران تمامی ضرروزیان‌های ناشی از جرم مجازات است. مطابق ماده ۱۵ و رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۷۱/۱۲/۲ دیوان عالی کشور شروع رسیدگی به دعوی حقوقی و حقیقی در دادگاه کیفری مستلزم تقدیم دادخواست پرداخت هزینه دادرسی و رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی است. البته در برخی جرایم قانون‌گذار دادگاه را مکلف کرده که به جبران خسارت نیز حکم صادر نماید و در این موارد نیاز به تقدیم دادخواست و هزینه دادرسی نیست. مطابق ماده ۶۷۷ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، سارق علاوه بر رد عین یا مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده به جبران خسارت وارده نیز محکوم خواهد شد.

مصادره اموال

مصادره یا ضبط اموال عبارت است از استیلائی دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم‌علیه به موجب حکم دادگاه مصادره و ضبط اموال و توقیف مال گناه در یک معنی و گاه در معانی متفاوت به کار رفته است.^۱ درخصوص ماهیت ضبط و مصادره برخی حقوقدانان آن دارای ماهیت جزایی و برخی دارای ماهیت مدنی و حقوقی می‌دانند.^۲ در قوانین کیفری مصادره که در زمره مجازات‌های مالی است در برخی مواد به عنوان مجازات تکمیلی در برخی مواد به عنوان مجازات اصلی در نظر گرفته شده است که مواد مصادره درخصوص اشخاص حقوقی، مجازات اصلی است.

مصادره دو نوع دارد: مصادره عام و خاص

۱. محمدعلیاردبیلی، حقوق جزای عمومی، (تهران، میزان، ۱۳۹۳)، ۹۸

۲. سیده رحیمه حسینی، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوقی در نام حقوقی ایران با

نگاهی به رویه قضایی»، (پایان نامه کارشناسی ارشد، سمنان، دانشگاه سمنان، ۱۳۹۵)، ۱۰۴

در مصادره خاص (جزئی) اشیایی که موضوع جرم یا وسیله ارتکاب جرم یا حاصل از جرم هستند، به نفع دولت ضبط و اشیاء بدون مالکیت و غیرقابل استفاده مجدد معمولاً به نفع دولت مصادره نشده و معدوم می‌شود.

مصادره کلی (عام) عبارت است از توقیف و ضبط تمامی اموال موجود محکوم‌علیه اعم از منقول و غیرمنقول، نقدی و غیرنقدی، مرتبط و غیرمرتبط با جرم مطابق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم به وجود آمده، با انحراف از هدف مشروع نخستین فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد» برای مصادره کل اموال شخص حقوقی دو شرط لازم است:

۱- شخص حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود آمده باشد، یعنی از ابتدای تشکیل هدف انجام عمل مجرمانه داشته باشد، خواه این موضوع در اساسنامه ذکر شود یا نشود و عملی به این اقدام بردارد، البته ثبت هدف نامشروع و مجرمانه برای تکمیل شرکت به موجب ماده ۵۶۸ قانون مجازات ممنوع است. به نظر می‌رسد باید بین دو حالت قائل به تفکیک شد. زمانی که هدف اصلی تشکیل شخص حقوقی ارتکاب جرم است، حذف در اینجا به معنی انگیزه رداعی است و اهداف تبعی دیگری هم دارد که در این حالت مجازات صادره مطابق ماده ۲۲ مذکور نسبت به شخص حقوقی قابل اعمال است و حالت دیگر زمانی است که هدف اصلی ایجاد شخص حقوقی مشروع و قانونی است، اما مؤسسين اهداف تبعی غیرقانونی دارند، اصل تفسیر به نفع متهم و اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی اقتضا می‌کند در این حالت مجازات صادره قابل اعمال نباشد، چون عبارت «برای ارتکاب جرم به وجود آمدن» در این مورد مصداق ندارد.

۲- شخص حقوقی با انحراف از هدف مشروع نخست، فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم قرار داده باشد، به عبارتی شخص حقوقی در ابتدا یک هدف قانونی دارد، اما در ادامه با تغییر فعالیت خود به اقدامات مجرمانه می‌پردازد.^۱

مجازات مصادره کل اموال مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات درجه یک است، لذا حکم محکومیت شخص حقوقی مطابق ماده ۳۶ باید یک نوبت در یک روزنامه محلی منتشر شود.

تبصره ۵ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد «در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود، باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود». این تبصره با توجه به اطلاق آن و استفاده از واژه‌های «در هر مورد» و «زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او» و همسویی با اصل شخصی بودن مجازات‌ها شامل اشخاص حقوقی نیز می‌شود. هزینه متعارف زندگی درخصوص اشخاص حقوقی رامی‌توان به قدری که مانع ورشکستگی او شده و پاسخگوی هزینه کارکنان او باشد، تا فعل نگردد، تفسیر کرد، زیرا پایان (انحلال) شخص حقوقی یا از طریق حکم دادگاه یا قانون و یا تصمیم اعضای حقیقی آن است.

جرایم ذکر شده در اصل ۴۹ قانون اساسی که مجازات مصادره اموال دارد، در دادگاه انقلاب رسیدگی و مرجع تجدیدنظر آنها دیوان عالی کشور است. با لحاظ تبصره ۵ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، ضبط اشیا و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری در ارتکاب جرم بوده، مجازات اصلی محسوب نشده و از شمول مواد ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی خارج و مشمول ماده ۲۱۵ همان قانون است. اگرچه قانون به مصادره کل اموال اشاره دارد، اما دادگاه چنانچه بخشی از اموال نامشروع شخصی دهد، حکم به مصادره خاص خواهد داد و این حکم به دلیل خلع ید محکوم از اموال نامشروع است و تفاوتی بین اینکه تمام یا بخشی از اموال نامشروع باشد، وجود ندارد. در رهنمودهای کیفردهی اشخاص

۱. سید درید موسوی مجاب، علی رفیع زاده، «ضمانت اجراهای جرایم اشخاص حقوقی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی ۶۹، (۱۳۹۴)، ۱۸۹ و ۱۹۰.

حقوقی در حقوق آمریکا به شرط پیش‌بینی در قوانین، دادگاه متولی کیفر موظف به ضبط و مصادره اموال متهم است.^۱

کیفرهای غیرمالی

درخصوص اشخاص حقوقی به غیر از ضمانت اجراهای مالی که بررسی شد، قانون‌گذار ضمانت اجراهای غیرمالی نیز پیش‌بینی نموده است. می‌توان گفت این گونه مجازات‌ها اثرات شدیدتری نسبت به ضمانت اجراهای مالی دارند. در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم که عبارتند از انتشار حکم محکومیت، سلب صلاحیت برای فعالیت به شکل ممنوعیت فعالیت و یا انحلال شخص حقوقی.

انتشار حکم محکومیت

یکی دیگر از انواع مجازات‌های قابل اعمال بر شخص حقوقی مذکور در بند (چ) ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌هاست. این انتشار علاوه بر ایجاد حس شرمندگی و ندامت مجرم موجب می‌گردد تا سایرین در برابر وی اقدامات پیشگیرانه بیشتری را انجام دهند.

این مجازات در قانون هم به عنوان مجازات تکمیلی (ماده ۲۳) و هم به عنوان مجازات اصلی (ماده ۲۰) وجود دارد که درخصوص شخص حقوقی مجازات اصلی است. برخلاف نظر برخی نویسندگان که معتقدند این مجازات می‌تواند به تنهایی مورد حکم قرار گیرد.^۲

نگارنده معتقد است باید بدو حکم محکومیتی صادر شده باشد تا انتشار در رسانه‌ها معنا پیدا کند و سؤال این است که بدون صدور حکم محکومیت چه چیزی باید منتشر شود؟!

۱. علیرضا نصیری، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق آمریکا» (پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵)، صفحه ۱۷۰

۲. سید درید موسوی مجاب، علی رفیع زاده، «ضمانت اجراهای جرایم اشخاص حقوقی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۶۹، (۱۳۹۴)، صفحه ۲۰۳

در ابتدای امر ممکن است به نظر برسد منظور مقنن انتشار هر حکم قطعی و غیرقطعی است، اما با در نظر گرفتن اینکه مطابق قانون آیین دادرسی کیفری اکثریت آرا در مهلت مقرر قانونی قابل اعتراض (تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی حسب مورد) بوده و احتمال نقض آن وجود دارد و انتشار پیش از قطعیت این تالی فاسد احتمالی را در بردارد که حکم محکومیت نقض گردد و در صورت انتشار قبل از قطعیت موجب سلب اعتماد جامعه و خدشه‌دار شدن وجهه و نام شخص حقوقی و ضررهای جبران‌ناپذیر به وی گردد. همچنین وقتی در بند (س) ماده ۲۳ که در بردارنده مجازات‌های تکمیلی است به انتشار حکم قطعی اشاره شده به نحو اولی در بند (چ) ماده ۲۰ که مجازات اصلی است نیز قطعیت حکم برای انتشار آن ضروری است.

برخلاف نظر برخی نویسندگان که از عموم دارد استفاه کرده و انتشار حکم در هر رسانه دیداری و شنیداری را جایز می‌دانند.^۱ به نظر نویسنده وقتی در ماده ۳۶ و در انتشار حکم محکومیت قطعی، رسانه ملی یا روزنامه کثیرالانتشار احصا شده است، در مجازات اصلی انتشار حکم محکومیت شخص حقوقی به نحو اولی باید نشر در رسانه ملی یا روزنامه کثیرالانتشار انجام شود و این ایراد قانون‌گذار نباید اثر این مجازات را از هدف اصلی خود که اطلاع جامعه از مفاد حکم محکومیت است، دور کند. به نظر می‌رسد هزینه انتشار حکم بر عهده شخص حقوقی محکوم می‌باشد

نکات حائز اهمیت که اجرای این مجازات را درخصوص شخص حقوقی مفید فایده‌تر می‌نمایند، عبارتند از:

۱- در مواردی که شرکتی با دارایی اندک مرتکب جرم می‌گردد و جزای نقدی قابلیت اعمال ندارد، این ضمانت اجرا هدف بازدارندگی را محقق می‌کند.

۲- این ضمانت اجرا بر حسن شهرت شخص حقوقی که از نظر مصرف کنندگان یا دریافت کنندگان خدمت مهم و تأثیرگذار است، اثر منفی داشته و چه بسا نسبت به جزای نقدی تبعات سنگین تری برای شخص حقوقی داشته باشد.

۳- از این ضمانت اجرا به عنوان اهرم فشاری که شخص حقوقی را وادار به اصلاح رویه خود می‌نماید، می‌توان بهره برد.

در حقوق آمریکا مطابق رهنمودها دادگاه ممکن است شخص حقوقی مجرم را به هزینه خود به انتشار ماهیت جرم و ماهیت مجازات و گام‌هایی که برای تکرار جرم برداشته شده در رسانه‌ای بنا به صلاحدید خود دادگاه محکوم نماید^۱

سلب صلاحیت برای فعالیت

الف) ممنوعیت فعالیت شخص حقوقی

یکی دیگر از مجازات‌های اشخاص حقوقی مندرج در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر به مدت ۵ سال است.

منظور از فعالیت شغلی هرگونه فعالیت شخص حقوقی در حوزه کاری خود در راستای اساسنامه و برای نیل به اهداف خود و فعالیت اجتماعی هرگونه فعالیت که ممکن است در اساسنامه ذکر نشده، اما در راستای اهداف شرکت مثلاً تبلیغات شرکت انجام می‌شود و منعی برای انجام آن وجود ندارد.

نظر به اطلاق عبارت «فعالیت شغلی و اجتماعی» دادگاه با استفاده از اصل فردی کردن مجازات‌ها و در نظر گرفتن سوابق شخص حقوقی مجرم اقدام به صدور این مجازات خواهد نمود و اگرچه قانون‌گذار تعداد فعالیت‌هایی که شخص حقوقی از آن محروم خواهد شد،

۱. علیرضا نصیری، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق آمریکا» (پایان نامه کارشناسی ارشد،

تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵)، صفحه ۱۷۲

مشخص و محدود نکرده، اما دادگاه می‌بایست به این نکته توجه نماید که محرومیت از تمامی فعالیت‌ها به طور دائم در واقع نتیجه‌ای جز انحلال در پی نخواهد داشت.

با توجه به نص ماده دادگاه مجاز به صدور حکم به این محرومیت یا به مدت دائم و یا تا ۵ سال است. حال سؤال این است که اگر نوع و شدت جرم به گونه‌ای باشد که تعیین مدتی بیش از ۵ سال، اما غیردائم هدف این مجازات را برآورده نماید، تکلیف چیست؟ این موضوع یکی از ایرادات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در خصوص تعیین مجازات برای شخص حقوقی است.

از عموم اطلاق که نوعی فعالیت شغلی یا اجتماعی ممنوعه را مشخص ننموده نباید چنین نتیجه گرفت که هر فعالیت شغلی و اجتماعی قابل ممنوع کردن است، بلکه به نظر نگارنده آن فعالیت قابل ممنوع کردن است که در وقوع جرم اثرگذار بوده و ممنوع نکردن از آن احتمال تکرار جرم را تشدید می‌نماید و با هدف شبیه و بازدارندگی جرم نیز سازگار باشد. در این بند عدم پیش‌بینی ضمانت اجرا در خصوص شخص حقوقی که فعالیت ممنوعه را در مدت ممنوعیت انجام دهد، از دیگر ایرادات این قانون است.

ب) انحلال شخص حقوقی

انحلال مجازاتی مختص اشخاص حقوقی است و در مورد اشخاص حقیقی مصداق ندارد. این مجازات را با توجه به شدت آن با اعالم و سلب حیات شخص حقیقی می‌توان همتراز دانست که در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی دره اول دانسته شده است.

در خصوص این مجازات نیز ماه ۲۲ مقرر می‌دارد شخص حقوقی برای ارتکاب جرم ایجاد یا با انحراف هدف اولیه مشروع، اهداف خود یا فعالیت خود را منحصر در ارتکاب جرم نماید. از آنجا که این ماده در مورد هر دو مجازات انحلال و مصادره کل اموال است، از تحلیل مجدد آن خودداری و خوانندگان را به مبحث موارد کل اموال ارجاع می‌دهیم.

در پاسخ به این ایجاد که با انحلال شخص حقوقی، تمامی سهامداران و کارمندان و شرکای آن از مجازات متضرر شده و این امر مخالف اصل شخصی بودن مجازات است، باید گفت

اشخاص حقیقی نیز اغلب از افعال و اهداف مجرمانه شخص حقوقی آگاه و یا از آن منتفع می‌گردند، لذا اعمال این مجازات مانعی ندارد.

ابهامی که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در خصوص انحلال وجود دارد آنکه قانون‌گذار در خصوص حالتی که مدیران و نمایندگان شخص حقوقی منحل شده مجدداً اقدام به تشکیل شخص حقوقی مشابه شخص حقوقی منحل از نظر اهداف و فعالیت و... بنمایند، تعیین تکلیف ننموده است. فی الواقع با این اقدام هدف مجازات مجرم محقق نشده و مجرمین می‌توانند با این خلأ قانونی به فعالیت مجرمانه خود پردازند، لذا به نظر می‌رسد بهتر آن است که قانون‌گذار با تصویب قانونی در این خصوص همانند ماده ۷۴۸ قانون مجازات اسلامی که در جرائم رایانه‌ای که مدیر شخص حقوقی منحل شده تا یک سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگر را ندارد، این ابهام و خلأ قانونی را مرتفع نماید.

کیفرهای مشدده

پس از احراز مسئولیت کیفری شخص حقوقی و در زمانی که نوبت به تعیین و اعمال مجازات می‌رسد، یکی از نهادهای مؤثر تعیین مجازات، تشدید مجازات است. تشدید کیفر، یعنی مجازات جرمی به جهات قانونی توسط مقنن یا قاضی افزایش یابد. تشدید مجازات ممکن است به صورت افزایش میزان مجازات، افزایش تعداد مجازات، تبدیل به مجازات شدیدتر، مجازات تبعی و تکمیلی باشد.^۱

تقسیم‌بندی کیفیات مشدده به دو نوع شخصی و عینی قابل تقسیم است.

۱- کیفیت مشدده شخصی

عبارت است از اوضاع و احوال و خصوصیات فردی به شغلی، خانوادگی و... در شخص

۱. بابک بابانسیب، «سیاست کیفری قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در قبال تشدید کیفر»، (پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قم، ۱۳۹۴)

مرتکب که باعث تشدید مجازات می‌گردد. برخی از کیفیات مشدد شخصی مانند خصوصیات خانوادگی یا سن صرفاً درخصوص شخص حقیقی مصداق دارند.

۲- کیفیت مشدد عینی

این کیفیات عبارتند از اوضاع و احوال خارج از شخص مرتکب که طبق قانون موجب تشدید مجازات می‌گردد، مانند علف و آزار و اذیت.

در تقسیم‌بندی دیگر کیفیات مشدد به عام و خاص تقسیم می‌شوند:

الف) خاصی که فقط در جرائم خاص وجود دارد و قانون‌گذار پیشاپیش تکلیف دادگاه‌ها را در اعمال آن تعیین می‌کند^۱

ب) عام. این موارد هم از عوامل تشدید مجازات هستند، اما شامل همه جرائم می‌شوند که عبارتند از تعدد جرم و تکرار جرم.

تعدد جرم، یعنی متهم به دفعات مرتکب جرم شود، اما پیش از محکومیت قطعی جرائم پیشین مرتکب جرم جدید گردد. عدالت اقتضا می‌کند که شخصی که چندین بار مرتکب جرم شده و چه بسا نشانه ناسازگاری و نابهنجاری او است نسبت به مجرمی که مشمول تعدد جرم نیست، متحمل کیفر شدیدتری بشود. تعدد جرم دو صورت دارد: تعدد واقعی که در آن مجرم افعال یا ترک افعال متعددی مرتکب شده که هر یک جرم جداگانه محسوب می‌شوند. در این خصوص ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد، دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرائم بیش از ۳ جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراست و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا گردد. لذا چنانکه مشاهده می‌شود.

۱. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، (تهران، میزان، ۱۳۹۳) ۲۰۱

تعدد واقعی جرائم تعزیری اصل بر تشدید و عدم جمع مجازات‌هاست، اما مطابق تبصره ۴ ماده فوق‌الذکر جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ استثنا بود، با هم و با درجه‌های یک تا شش جمع می‌شوند. تعداد اعتباری عبارتست از اینکه شخصی مرتکب یک رفتار می‌شود که عناوین مجرمانه متعدد دارد، در جرائم تعزیری در حالت تعدد اعتباری اصل عدم جمع و اجرای مجازات اشد است. تکرار جرم زمانی است که مرتکب جرم به موجب حکم قطعی محکومیت کیفری یافته و مجدداً مرتکب جرم دیگر شود. در این باره ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا مشمول مرور زمان اجرای مجازات مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود». مطابق ماده هر دو جرم قبلی و بعدی باید از درجات یک تا شش تعزیری باشد و حکم قبلی قطعیت یافته باشد^۱

به نظر می‌رسد مقررات تشدید جرم در صورتی که مطابق ماده ۱۴۳ و ۲۰ جرم قابل انتساب به شخص حقوقی باشد، شامل شخص حقوقی مجرم نیز خواهد شد.

کیفرهای تکمیلی و تبعی

قانون‌گذار تعریفی از مجازات تکمیلی ارائه نکرده و در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، تنها مصادیق آن را نام برده است، لذا به ۲ تعریف دکتر اردبیلی و صانعی اشاره می‌نمایم. از نظر دکتر اردبیلی مجازات تکمیلی به مجازات‌هایی گفته می‌شود که در تکمیل مجازات اصلی به آن افزوده می‌گردد و باید در دادنامه ذکر گردد و هیچ‌گاه به تنهایی مورد حکم قرار نمی‌گیرد. از نظر دکتر صانعی به مجازات‌هایی گفته می‌شود که به مجازات اصلی افزوده می‌شود و علاوه بر اینکه باید در دادنامه ذکر گردد، هیچ‌گاه به تنهایی مورد حکم دادگاه قرار نمی‌گیرند، زیرا مجازات‌های مذکور باید مجازات اصلی را تکمیل کنند.^۳

۱. محمدعلیاردبیلی، حقوق جزای عمومی، (تهران، میزان، ۱۳۹۳)

۲. محمدعلیاردبیلی، حقوق جزای عمومی، (تهران، میزان، ۱۳۹۳) ۶۸

۳. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، (تهران، نشر نو، ۱۳۸۲)

قانونگذار در قانون فوق برای اولین بار از عبارت «مجازات تکمیلی» صراحتاً استفاده کرده است.

هدف اصلی از مجازات تکمیلی اصلاح و بازپروری مجرم است و اینکه قاضی دادگاه به تشخیص خود مجازات تکمیلی متناسب هر مجرم را مورد حکم قرار می‌دهد، در راستای همین اهداف است. بر همین مبنا می‌توان مجازات‌های مقرر در ماده ۲۳ را در دو دسته قرار داد^۱

۱- مجازات‌های تکمیلی که امکان ارتکاب دوباره جرم را می‌گیرد، مانند اقامت اجباری در محل معین، انفصال از خدمات دولتی و عمومی، توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه‌ای که در ارتکاب جرم دخالت داشته است.

۲- مجازات‌های تکمیلی جهت اصلاح مجرم که عبارتند از الزام به تحصیل، الزام به یادگیری شغل و حرفه معین.

علاوه بر مجازات‌های تکمیلی اختیاری مقرر در ماده ۲۳ فوق‌الذکر، در برخی مواد مجازات‌های تکمیلی اجباری مقرر گردیده است، مانند ضبط اموال تحصیل شده از جرم ماده ۷۱۲ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی.

طبق تبصره ۳ ماده ۲۳ در خصوص کیفیت اجرای ماده ۲۳ مذکور «آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی» در ۲۲ ماده در ۹۳/۱۱/۲۶ به تصویب رسیده است.

از ۱۵ مورد احصا شده در ماده ۲۳ به عنوان مجازات تکمیلی، ۵ مورد قابل اعمال نسبت به اشخاص حقوقی است که عبارتند از: منع اقامت در محل محل‌های معین، منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین، منع از داشتن دسته چک با اصدار اسناد تجاری، توقیف وسایل ارتکاب جرم با رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم، انتشار حکم محکومیت قطعی.

۱. سید وحید سپهر سیدی پناه، «مجازات‌های تکمیلی و رویکرد اصلاح مجرم در قانون مجازات اسلامی» (کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۶) ۱۳۲

ایرادی که در این ماده ممکن است اعمال مجازات‌های تکمیلی نسبت به شخص حقوقی را دچار تردید کند، آن است که در صدر ماده از کلمه «فرد» استفاده شده است و این کلمه دربرگیرنده اشخاص حقیقی است. در پاسخ می‌توان گفت حذف لفظ «عمدی» در قانون مجازات جدید و تسری مجازات‌های تکمیلی به جرایم تعزیری غیرعمدی از یکسو و از سوی دیگر آنکه اعمال این مجازات‌ها با هدف اصلاح و متناسب‌سازی مجازات‌ها با ویژگی‌های هر مجرم سازگارتر است و سوم دلیل آنکه وقتی مجازات اصلی نسبت به شخص حقوقی قابل اعمال است، به نحو اولی مجازات تکمیلی نیز نسبت به شخص حقوقی قابل اعمال می‌باشد، اما تصویب رأی وحدت رویه یا اصلاح این ماده و تصریح به قابلیت اعمال مجازات تکمیلی به اشخاص حقوقی مفید فایده خواهد بود.

مجازات تبعی از آثار مترتب بر محکومیت به مجازات اصلی است و عمدتاً محرومیت از حقوق اجتماعی بوده و در حکم دادگاه ذکر نمی‌گردد. تفاوت مجازات تبعی و تکمیلی در قید شدن مجازات تکمیلی و عدم ذکر مجازات تبعی در دادنامه و اینکه مجازات تکمیلی در اختیار قاضی و مجازات تبعی خارج از اختیار قاضی و به تبع حکم محکومیت قطعی با شرایط مقرر ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی بر مجرم تحمیل می‌گردد.

مجازات‌های تبعی مذکور ماده ۲۵ فوق درخصوص مجازات‌های سلب حیات و حبس ابد و محکومیت به قطع عضو و تمامی عضو و نفی بلد و حبس و شلاق است و حقوق اجتماعی که مجرم به عنوان مجازات تبعی از آن محروم می‌گردد و در ماده ۲۶ قانون فوق‌الذکر به نحو حصری احصا شده است، همگی محرومیت از داوطلب شدن یا تصدی یا عضویت یا اشتغال یا استخدام در مناصب و مشاغلی مانند مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، انجمن‌ها و احزاب و دستگاه‌های حکومتی و... است، لذا هیچ یک از بندهای مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی مرتبط با اشخاص حقوقی نبوده و نسبت به آنها قابل اعمال نیست.

نتیجه گیری

مسئله کیفر و مجازات اشخاص حقوقی دغدغه اکثر حقوقدانان کیفری می باشد که در این مقاله ابتدا کیفرهای اصلی که مجازات‌هایی هستند که اجرای آن منوط به حکم قطعی دادگاه بوده و تابع مجازات دیگر نیستند در دو مقوله الف) کیفرهای مالی شامل جرمه نقدی، جریمه سهام، الزام به جبران خسارت، مصادره اموال و ب) کیفرهای غیر مالی که شامل انتشار حکم محکومیت براساس بند ج و سلب صلاحیت برای فعالیت، انحلال شخص حقوقی که این گونه مجازات‌ها اثرات شدیدتری نسبت به ضمانت اجراهای مالی دارند بررسی و سپس به کیفرهای مشدد که یکی از نهادهای موثر در تعیین مجازات، تشدید مجازات است که خود شامل کیفیت مشدد شخصی و عینی ست، پرداخته شد. در نهایت به کیفرهای تکمیلی و تبعی نسبت به اشخاص حقوقی مطالبی بیان شد است که هیچ یک از بندهای مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی مرتبط با اشخاص حقوقی نبوده و نسبت به آنان قابل اعمال نیست.

کتابنامه

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۳، چاپ ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۳
۲. بابانسب، بابک، «سیاست کیفری قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در قبال تشدید کیفر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۴
۳. حسینی، سیده رحیمه، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوقی در نام حقوقی ایران با نگاهی به رویه قضایی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، سمنان: دانشگاه سمنان، ۱۳۹۵
۴. سیدی پناه، سید وحید سپهر، «مجازاتهای تکمیلی و رویکرد اصلاح مجرم در قانون مجازات اسلامی». کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، ۱۳۹۶
۵. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چ ۲۲، تهران: نشر نو، ۱۳۸۲
۶. موسوی مجاب، سیددرید و علی رفیع زاده، «ضمانت اجراهای جرایم اشخاص حقوقی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، ۶۹، (۱۳۹۴): ۲۰۶-۱۸۵
۷. نصیری، علیرضا، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق آمریکا»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵